

هدف سفر پوتین به جمهوری آذربایجان؛ از تبادل انرژی تا معامله ژئوپلیتیک

نویسنده: الیاس واحدی

سفر ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه به جمهوری آذربایجان در ۱۳ آگوست ۲۰۱۳ انجام شد. علاوه بر فراز و فرودهای پیشین در مناسبات دو کشور و توجه هر دو طرف به پیشگیری از تضعیف بیش از پیش مناسبات، یکی دیگر از حساسیت‌های این سفر، انجام آن در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری در آذربایجان است. با اینکه نفوذ و تأثیر روسیه بر کشورهای مستقل همسود، هنوز در خور توجه است ولی در مورد جمهوری آذربایجان این نفوذ در حدی نیست که فشارهای مسکو و حتی پیشنهادهای مثبت در زمینه حل بحران قره‌باغ، بتواند دولت جمهوری آذربایجان را برای تغییر نقش ژئوپلیتیکی خود قانع سازد. با توجه به مقدمه ذکر شده، اهداف سفر پوتین به جمهوری آذربایجان را جناب آقای الیاس واحدی، کارشناس مسائل قفقاز و ترکیه و عضو شورای نویسندگان ایراس، به اختصار در محورهای زیر تبیین نموده‌اند.

اهداف سفر پوتین به جمهوری آذربایجان؛ از تبادل انرژی تا معامله ژئوپلیتیک

سفر یک روزه ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه به جمهوری آذربایجان در ۱۳ آگوست ۲۰۱۳ در حالی انجام شد که به رغم اعلام و اعمال سیاست‌خارجی جمهوری آذربایجان بر پایه اصل متوازن‌سازی بین آمریکا و روسیه، در سال‌های اخیر و به دنبال گسترش فوق‌العاده مناسبات روسیه و ارمنستان، کفه ترازو در مناسبات خارجی جمهوری آذربایجان، به طور مشخصی به سمت واشنگتن سنگینی می‌کرد و عدم موافقت باکو با تمدید قرارداد استفاده روسیه از پایگاه راداری قبله سردی محسوسی را در مناسبات سیاسی دو کشور حاکم ساخته بود؛ ولی به رغم این، حجم تجارت نزدیک به ۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۲ و نیز رشد نزدیک به ۵۰ درصدی این مراودات اقتصادی در ۶ ماه گذشته، نشان از عدم رخنه فضای سرد در روابط اقتصادی این دو کشور داشت.

همکاری در بخش انرژی

در حوزه انرژی به رغم فعالیت شرکت نفتی لوک اوایل و گاسپروم روسی در جمهوری آذربایجان، سهم عمده فعالیت‌های خارجی همچنان در دست شرکت‌های غربی نظیر بریتیش پترولیوم، استات اویل، اگزون موبیل و توتال است. شرکت آذربایجانی سوکار نیز روز به روز فعالیت خود را گسترش می‌دهد. در سفر پوتین مدیرعامل شرکت روس نفت، بزرگترین شرکت نفتی روسیه نیز به امید انعقاد قراردادهای بزرگ به منظور به دست گرفتن عرصه نفتی جمهوری آذربایجان، نیز وی را همراهی کرد و گویا مقدمات سفر پوتین به باکو را وی فراهم کرده است. ولی گفته می‌شود که قراردادهای امضاء شده نشان از بی‌میلی طرف آذری برای سپردن سهم عمده به روس‌ها دارد. به گونه‌ای که در منابع نفتی شبه جزیره آبشرون، شرکت آذری سوکار و فرانسوی توتال با ۴۰ درصد از سهام این کنسرسیوم نقش اصلی را دارند. در زمینه گاز نیز همکاری‌های طرف آذری انتظارات گازپروم روسی را برآورده نمی‌سازد و آذربایجانی‌ها بخش اصلی گاز صادراتی خود را از طریق خط لوله به اروپا منتقل می‌کنند.

تلاش روسیه برای ایفای نقش بیشتر در منابع انرژی آذربایجان، فقط منحصر به پیشگیری از تبدیل آذربایجان به رقیب مسکو در تامین گاز اروپا (که علاوه بر منابع گازی آذربایجان، از طریق خطوط لوله، انتقال منابع ترکمنستان و قزاقستان به اروپا را نیز مدنظر دارد) نمی‌شود، بلکه تامین نیاز داخلی روسیه نیز مورد توجه هست. فدراسیون روسیه در جمهوری چینستان سالانه بیش از ۲.۵ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی مصرف می‌کند و این نیاز در حال افزایش سالانه چشمگیری هم هست. از نظر مسکو، گاز جمهوری آذربایجان با توجه به دسترسی جغرافیایی به چینستان و سایر مناطق شمال کوه‌های قفقاز، گزینه مناسبی محسوب می‌شود.

مساله انتخابات ریاست‌جمهوری در آذربایجان

مساله احتمال دخالت روسیه در انتخابات ریاست‌جمهوری آذربایجان از مدت‌ها پیش و با مطرح شدن نامزدی رستم ابراهیم‌اف، هنرمند روشنفکر آذربایجانی ساکن روسیه به میان آمده است. دولت باکو از ورود ابراهیم‌اف به جمهوری آذربایجان ممانعت می‌کند و در این میان اقدام روسیه در تحت فشار قرار دادن دولت آذربایجان در مورد ابراهیم‌اف و نیز ائدار مداف، دیگر نامزد مطرح شده که گفته می‌شود در باکو زندانی است، از منظر دولت باکو حائز اهمیت است. در این خصوص سفر پوتین به باکو در آستانه انتخابات، حاوی این پیام از سوی مسکو تلقی می‌شود که روسیه مساله انتخابات و نحوه رفتار دولت حاکم با احزاب و شخصیت‌های مخالف را مساله داخلی جمهوری آذربایجان می‌داند و قصد ندارد در این عرصه مداخله‌ای نماید.

تشویق آذربایجان به تغییر نقش ژئوپلیتیکی

همانگونه که گفته شد، جمهوری آذربایجان در اجرای سیاست‌خارجی مبتنی بر اصل متوازن سازی مناسبات با روسیه و غرب، به طرف ساختارهای غربی نظیر ناتو، اتحادیه اروپا و آمریکا گرایش بیشتری دارد این رویکرد موقعیت روسیه در برابر سیاست‌ها و برنامه‌های یورو-آتلانتیکی در جهان شرق را تضعیف می‌کند. کما اینکه در محیط استراتژیک قفقاز جنوبی، روسیه کشور گرجستان را از دست داده و موقعیت ارمنستان هم دارای مزیت‌های کمتری نسبت به دو کشور دیگر بوده و از طرف دیگر، تضمینی برای استمرار دائمی سیطره روسی بر این کشور وجود ندارد. در این میان جمهوری آذربایجان، که شاید آن را از منظر ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک بتوان مهم‌ترین کشور قفقاز جنوبی دانست، با دارا بودن رویکرد میانه، فضایی همراه با فرصت و تهدید را پیش روی روسیه قرار داده است. هرچند روسیه به دست کشیدن باکو از گرایش به سمت ساختارهای غربی امیدوار نیست ولی دست کم در پی آن است، تا جریان گسترش این ساختارها به سمت شرق را در ایستگاه جمهوری آذربایجان که ایستگاهی کلیدی برای تقویت حضور غربی‌ها در آسیای مرکزی نیز محسوب می‌شود، کند سازد.

با اینکه روسیه کشوری کلیدی در گروه مینسک سازمان همکاری امنیت و همکاری اروپا (گروه مسئول در پیگیری مناقشه قره‌باغ)

است ولی عملکرد حدود ۲۰ ساله‌اش در این نهاد کهنه شده و ناکارآمد نشان می‌دهد که این کشور تمایل زیادی برای حل بحران قره‌باغ در این ساختار مشترک روسی غربی ندارد. بدیهی است که پیشنهاد روسیه به دولت آذربایجان برای حل مناقشه قره‌باغ، پیگیری این مساله در ساختارهای روسی به ویژه اتحادیه اوراسیایی است که در راستای ایده اوراسیاگرایی پوتین دنبال می‌شود و تلاش روسیه برای وارد ساختن باکو در اتحادیه گمرکی کشورهای مستقل همسود، مظهر عینی این پیشنهاد تلقی می‌شود.

با اینکه نفوذ و تاثیر روسیه بر کشورهای مستقل همسود، هنوز در خور توجه است ولی در مورد جمهوری آذربایجان این نفوذ در حدی نیست که فشارهای مسکو و حتی پیشنهادهای مثبت در زمینه حل بحران قره‌باغ (به رغم اینکه بیشتر آذری‌ها، کلید اصلی حل مناقشه قره‌باغ را در دست روس‌ها می‌دانند)، بتواند دولت جمهوری آذربایجان را برای تغییر نقش ژئوپلیتیکی خود (فاصله گرفتن از ساختارهای غربی و همگرایی بیشتر با روسیه و آمال اوراسیایی پوتین) قانع سازد. زیرا آذربایجان با وجود بحران قره‌باغ در ۲۰ سال گذشته، راه توسعه را بدون در نظر گرفتن این مناقشه ترسیم کرده است و در زمینه اصلاحات ساختاری گام‌های بلند و مهمی برداشته است که ثمره آن دستاوردهای اقتصادی مثبتی است که جایگاه برتری را در زمینه بهبود شاخص‌هایی نظیر رشد تولید ناخالص ملی، سرمایه‌گذاری خارجی، افزایش درآمد سرانه، مهار تورم، افزایش فوق‌العاده ارزش پول ملی و بهبود فضای کسب و کار برای این کشور به ارمغان آورده است. بنابر این پیش‌بینی نمی‌شود که در آینده، آذربایجان جهان غرب را به روسیه ترجیح دهد و کارکرد مناسبات با روسیه برای باکو، در حد توجه به برخی ضرورت‌های همکاری‌های منطقه‌ای، باقی خواهد ماند.

نویسنده: الیاس واحدی، کارشناس مسائل قفقاز و ترکیه و عضو شورای نویسندگان ایراس